



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: کاردانی حرفه ای معماری ترم: ۱... سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

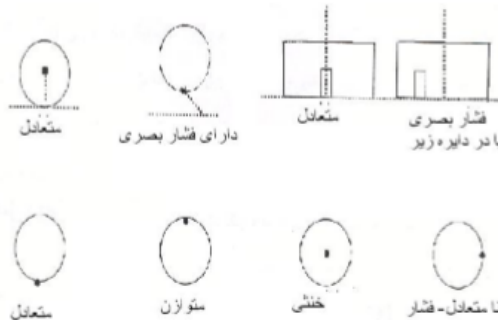
نام درس: مبانی بیان معماری داخلی.. نام و نام خانوادگی مدرس: ... حدیث داوده....
 آدرس email مدرس: ...hadisdavodeh@yahoo.com.... تلفن همراه مدرس: ۰۹۳۷۲۵۵۴۸۸۳

جزوه درس: مبانی بیان معماری داخلی.. مربوط به هفته : □ چهارم ■
 text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■
 تلفن همراه مدیر گروه :

صفحه های زیر برگرفته از جزوه مبانی بیان معماری داخلی که به صورت pdf در اختیار دانشگاه قرار داده شده در صورت تمایل از جزوه اصلی استفاده شود.

تعالیل:

مهمترین عامل فیزیکی و فیزیولوژی موثر بر حواس بشر نیاز او به حفظ تعادل است. در محیط اطراف برای حفظ تعادل در درجه اول به ساختار عمودی = افقی توجه می شود. ما همواره آگاهانه یا ناآگاهانه، با نگاه کردن به یک تصویر، محورهای محسوس عمودی و افقی را در ذهن خود رسم می کنیم. میزان تطابق شکل با محورهای محسوس، میزان تعادل بودن را تعیین می کند و فشار بصری نقطه مقابل تعادل بصری است. یا خارج شدن تصویر از حالت تعادل. فشار بصری ایجاد می شود. دایره ای که شعاع آن از وضعیت قائم خارج شده مثال خوبی برای فشار بصری است.



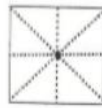
در یک ترکیب بندی وجود فشار یا نبودن آن اولین عاملی است که ذهن طراح و بیننده را به خود جلب می کند.

طراز کردن و برجسته ساختن:

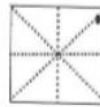
چیزی که قابل پیش بینی است و در محل مورد انتظار قرار گرفته باشد دارای جاذبه خاص است ولی این جاذبه در مقابل پدیده غیرمنتظره رنگ می بازد. طراز کردن یا (*Leveling*) در حقیقت قرار گرفتن موضوعات در محلهای قابل پیش بینی است که به یک تعادل بصری می رسد. برجسته سازی یا (*Sharpening*) در حقیقت برعکس طراز کردن ایجاد فشار و هیجان بصری است.



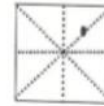
حالت مبهم که خاستگاه هنر نیست حالتی است که در آن به طور واضح طراز شده و نه برجسته



طراز کردن



برجسته سازی



مبهم

انواع تعادل:

تعادل بصری از سه روش امکان پذیر است:

۱- متقارن

۲- نامتقارن

۳- شامعی

که این سه دسته بندی را می توان به صورت دیگری مطرح نمود چ

۱- محوری

۲- مرکزی

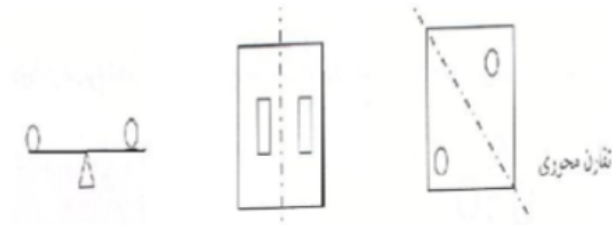
۳- نامتقارن

تعادل متقارن:

یا تعادل غیرفعال هنگامی اتفاق می افتد که عناصر مشابه در دو سمت یک محور به صورت کاملاً یکسان قرار گرفته

باشند. این نوع تعادل دارای وقار و منطقی بوده و در عین حال ممکن است پکنواخت و منقل و خسته کننده

باشد. این روش ساده ترین راه برای رسیدن به تعادل است.



نمونه‌های متادل متقارن در بناهای دوران کلاسیک بسیار دیده می‌شود به خصوص در دوره رنسانس.

تبادل نامتقارن:

با تعادل فعال هنگامی رخ می‌دهد که نواحی مختلف تصویر از وزن بصری یکسانی برخوردار باشند، با ترکیببندی عناصر متضاد، در مکانهای معین به یک تصویر متعادل و نامتقارن دست می‌یابیم که حرکت و پویایی بیشتری دارد و چشم بیننده را در نقاط مختلف تصویر به حرکت در می‌آورد. این نوع تعادل گاهی به هرج و مرج و نابسامانی تصویر منجر می‌شود.

بی‌شماره برای رسیدن به یک تعادل نامتقارن وجود دارد اما در هر صورت ابزار اصلی این نوع تعادل، استفاده از انواع تضاد (کنتراست) است.



قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.